

# همایش بررسی جنبش دموکراسی خواهی ایران

پنجشنبه ۱۷ تیر ۱۳۸۹ - ۸ ژوئیه ۲۰۱۰

گزارشی از همایش «جنبش دموکراسیخواهی در ایران؛ محدودیتها و ظرفیتها» در رم، در گفتوگو با سخنرانان و دست‌اندرکاران این همایش

## حسین علوی

در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۲۹ و ۳۰ ژوئن، در شهر رم پایتخت ایتالیا، همایشی با عنوان «جنبش دموکراسیخواهی در ایران؛ محدودیتها و ظرفیتها» برگزار شد.

ناصر بلی دهی یکی از دست‌اندرکاران تدارک این همایش به زمانه گفت که این همایش از سوی سازمان «یوانپیاو» یا «سازمان ملتهای بدون نمایندگی» برگزار شد و در آن بیش از ۶۰ فعال و تحلیلگر سیاسی و نمایندگان احزاب، اقلیتهای قومی و اجتماعی از ایران و نیز تعدادی از شخصیت‌های سیاسی ایتالیا شرکت داشتند.

احمد رافت، روزنامه‌نگار مقیم ایتالیا که خود از گردانندگان تعدادی از جلسات این همایش بود، در مورد محتوای برخی از بحثهای ارائه شده به زمانه گفت:

من در پانلی که معاون سنای ایتالیا، رئیس کمیسیون حقوق بشر سنای ایتالیا و نایب رئیس کمیسیون روابط بین‌المللی پارلمان ایتالیا از جمله سخنرانان آن بودند حضور داشتم و درباره‌ی مسائلی چون پرونده‌ی هسته‌های ایران و مسئله‌ی حقوق بشر که باید همپای این پرونده‌ی اتمی مطرح شود صحبت کردیم.

تمام شرکتکنندگان براین عقیده بودند که تکیه بر پرونده‌ی هسته‌های بدون اشاره به مسئله‌ی حقوق بشر یا در حاشیه قرارداد حقوق بشر به هیچ وجه حتی به حل مسئله‌ی هسته‌های ایران کمک نمیکند. بنابراین باید حقوق بشر را همگام با مسئله هسته‌ای جلو برد و در نشستهای بین‌المللی با نمایندگان جمهوری اسلامی ایران مطرح کرد.

احمد رافت

در این جلسات در ارتباط با آنچه به نام جنبش سبز شهرت یافته و

رابطه آن با حقوق اقلیت ها، سه نظریه از سوی نمایندگان که در مورد حقوق اقلیتهای قومی در ایران صحبت میکردند مطرح شد. یک گروه معتقد بودند که باید در داخل این جنبش حرکت کرد، از آن حمایت کرد و همزمان خواستهای اقلیتهای آنها را نیز در آن مطرح کرد. گروه دیگر معتقد بودند که این جنبش چون یک جنبش تهران مرکزی است و به مسائل اقلیتهای هیچ گونه توجهی ندارد، شرکت و حمایت از آن بی نتیجه است. عدهای هم معتقد بودند ابتدا باید در مورد خواستهای اقلیتهای صحبت کرد و پس از مذاکره از این جنبش حمایت کرد. این سه نظریه به طور کلی مطرح شدند.

از سوی شرکتکنندگان خارجی این کنفرانس نیز پرسشی مستقیم با شرکتکنندگان ایرانی مطرح شد مبنی بر این که چرا بسیاری از نیروهای سیاسی ایرانی وقتی در مقابل این سؤال قرار میگیرند که نظرشان در مورد آیندهی ایران چیست، بهویژه در آن بخش که مربوط به حقوق اقلیتهای میشود، سکوت میکنند و یا همه چیز را واگذار به آینده میکنند؟ در واقع هیچگونه اظهارنظر یا برنامه مشخصی ارائه نمیدهند؟ متأسفانه در کنفرانس به این پرسش هیچ پاسخی مناسبی داده نشد.

بذر دموکراسی

میهن جزئی، فعال سیاسی مقیم فرانسه، یکی دیگر از سخنرانان این همایش دو روزه بود. او در سخنانش نگاهی به پیشینه جنبش اعتراضی در ایران داشت که تا مقطع انقلاب را دربر می گرفت. او گفت که در این بررسی بر سه نکته تاکید دارد:

برای بررسی هر رویداد اجتماعی، ابتدا باید سه چیز را در نظر بگیریم. یکی پیشینه تاریخی آن رویداد است. به خصوص این رویداد اخیر که در کشور ما رخ داد. نکتهی دیگر روابط اجتماعی و نکتهی سوم فضای سیاسی است. من در بحث خود، سپس در رابطه با این فضای سیاسی اشاره‌های به گذشته کردم که از بدو انقلاب که به محض آن که دستاوردها گرفته شد، ما به خیابان و به کاخ دادگستری رفتیم. در آن زمان من به اتفاق چندتن از دوستان که از خارج کشور آمده بودند و در امر زنان هم بیشتر از ما در داخل کشور سابقه و مطالعه داشتند، اتحاد ملی زنان را بنیان گذاشتیم که متأسفانه در اواخر سال ۵۸ تحت سرکوب قرار گرفت. تازه در آنجا هم‌های فرقه‌های بود و این که چه کسی طرفدار کدام سازمان است و آنطور که باید کار دموکراتیک را پیش نبردیم.



**میهن جزئی**

با شرح این نکات، سپس گریزی زدم به پیشرفتی که زنان ایران در این

سه دهه کرده اند. این نسل جوانی که الان روی صحنه است، حق بسیار بزرگی بر گردن جنبش سبز مردم ایران دارد. برای این که زن‌ها واقعاً با فرصت‌سازی‌های خوب در زمان انتخاب دور اول احمدینژاد، خواسته‌هایی را مطرح کردند و از فضای به نسبت بازتر انتخاباتی استفاده کردند و مقابل دانشگاه تظاهرات بزرگی در حدود شش هزار نفر را دیدند.

از آن سال به بعد که اتفاقاً روز ۲۲ خرداد بود، هر سال به یاد آن روز دورهم جمع میشوند تا همین سرکوب اخیر و این اتفاقی که افتاد. در سخنرانی خودم اشاره‌ای هم کردم به مبارزه‌ی ضد خشونت یا بی‌خشونت، مادران صلح، مادران عزادار و مادرانی که واقعاً میخواهند کاری کنند که این چرخه‌ی خشونت و کشت و کشتار از بین برود و به جایش با تفاهم و تعامل بتوانند بذر دموکراسی را در جامعه بکارند.

### جنبش تغییر

سخنران دیگر این کنفرانس بهزاد کریمی، فعال و تحلیلگر سیاسی مقیم هلند بود. او ضمن تاکید ویژه بر اهمیت مناسبات دو نیروی این جنبش، یعنی باورمندان دینی و سکولار-دمکرات‌ها، درباره‌ی نظراتی که در همایش «جنبش دموکراسیخواهی در ایران؛ محدودیتها و ظرفیتها» مطرح کرد به زمانه میگوید:

موضوع مرکزی این بود که ایران تغییر کرده و در عین حال در راه تغییر پیش میرود. این تغییر یکروزه نیست. در سیاست، امروز این تغییر، بازتاب تغییرات بزرگی است که در طی سه دهه‌ی گذشته در جامعه‌ی ایران اتفاق افتاده است.

### بهزاد کریمی

این تحولات منجر شده است به شکلگیری یک نیروی اجتماعی بسیار وسیع شهرنشین، باسواد و آشنا به جهان و در مجموع متعلق به مقوله‌ی مدرنیته، با خواسته‌های دموکراتیک و با این جهت‌گیری که سیاست در ایران با صندوق رأی رقم بخورد، تا مناسبات نیروهای متنوع و متکثر در جامعه‌ی ما هم اتفاقاً از طریق همان حق رأی و شرکت در انتخابات بتواند تنظیم شود و سیاست بتواند تنوع و رنگارنگی جامعه‌ی ایران را در عرصه‌ی دموکراسی به نمایش بگذارد.

به همین دلیل جنبش سبز اساساً تجسم و بازتاب حرکتی با مضمون عینی است و این حرکت قطعاً پیش خواهد رفت. به لحاظ سیاسی اما نمیشود همه‌چیز را پیشبینی کرد. چون میتواند فراز و نشیب‌هایی داشته باشد. ولی این جنبش جنبشی است که ریشه در جامعه دارد و در واقع با مطالبات کاملاً روشنی است که یک نیروی اجتماعی میتواند داشته باشد

و از بینرفتنی هم نیست و اعمال اراده میکند. نکته‌های که باز بسیار مهم است این است که در این جنبش، صف‌آرایی سیاسی جامعه ایران حول دموکراسی شکل گرفته است. خوشبختانه ما شاهد هستیم که در بین نیروهای سکولار-دموکرات ایران هرچه بیشتر این اندیشه تثبیت میشود که سکولاریسم قدرت در ایران از مسیر دموکراتیزاسیون میگذرد.

از سوی دیگر ما در میان بخشی از نیروهای مذهبی و باورمندان دینی که در عرصه سیاست هستند نیز شاهد هستیم که بیش از پیش به این اندیشه میرسند که نیروها را براساس اینکه "حکومت فقهی و دینی آری یا نه" تقسیم نکنند، بلکه براساس دموکراسی تقسیم کنند. نکته‌ی آخری که بر آن تأکید کردم این بود که برای گذار ایران به سوی دموکراسی، مناسبات این دو نیرو بسیار اهمیت دارد. در مقایسه این جنبش با حرکت دوم خرداد، حرکت دوم خرداد متوجه تغییر رفتار ولی فقیه از طریق اتکا به بالا و چانه‌زنی بود. ولی این جنبش از طریق اتکا به همان نیروی اجتماعی که یاد کردم، متوجه نه فقط تغییر رفتار ولی فقیه، حتی نه فقط در نشان دادن یک ولی فقیه به جای ولی فقیه دیگر، بلکه به‌طور مشخص متوجه دموکراتیک کردن ساختار قدرت است و در تحلیل نهایی و به لحاظ تاریخی در جهت تعیین تکلیف با ساختار ولایت فقیه حرکت میکند.

خواست‌های مشخص زنان

شادی امین، فعال سیاسی و فعال حقوق زنان مقیم آلمان از دیگر سخنرانان همایش رم بود. او بر تعریف دقیق از آنچه جنبش سبز نامیده می‌شود و اینکه این جنبش، بخشی از جنبش اعتراضی و آزادیخواهی در ایران است تأکید دارد. او درباره‌ی نظرات مطرح شده‌ی خود در این همایش میگوید:

بحث اول من مربوط به جنبش به اصطلاح سبز بود. در رابطه با امروز و آینده‌ی این جنبش و محدودیتها و ظرفیتهایی که دارد. من معتقدم که جنبش سبز، تنها بخشی از جنبش اعتراضی یا آزادیخواهی ایران است و نه همهی آن. ما میبایست این جنبش را تعریف کنیم. میبایست روی خواسته‌های حساسیت‌ناشان داده و سعی کنیم تأثیر بگذاریم و اجازه نداریم خطاهایی را مرتکب شویم که سال ۵۷ مرتکب شدیم.

با انتقال تجربیاتمان اجازه ندهیم که جوانانمان همان اشتباه را بکنند و خود ما هم در دام تکرار این اشتباهات نیفتیم. یکی از اینها مسئله‌ی نگاه ایدئولوژیک و مذهبی است و تسلط این گفتمان در این جنبش. نکته‌ی دیگر تسلط نگاه مردسالار در جنبش سبز است. باید این بحثها را مطرح کنیم، دائم روی آن تأکید کنیم و اجازه ندهیم

تجربه‌های تلخی را که داشتیم، و سی‌سالی هم هست که به همی ما آسیب زده، دوباره تکرار شود.

### شادی امین

در جلسه گروهی دوم، مسئله‌ی زنان و رابط‌هاش با جنبش‌های اجتماعی مطرح شد. بحث من این هشدار بود که زنان باید با خواسته‌های مستقل خودشان دائم در این جنبش شرکت کنند. باید حساسیت جنسیتی در این جنبش مطرح باشد. سیاست عرصه‌ی پیشبرد منافع است. باید منافع مشترکمان را بشناسیم و روی آن ائتلاف کنیم.

در عین حال دائم تأکید کنیم که زنان با خواسته‌های مشخصی به این جنبش آمده‌اند و انتظار دارند که این خواسته‌ها دیده و به آنها توجه شود. در مجموع وقتی ما از شهادت و حضور بینظیر زنان در این جنبش خیابانی صحبت میکنیم، باید توجه داشته باشیم که چرا زنان آمدند؟ این حضور حاصل سی‌سال سرکوب و فشار بر زنان بود. این زنان خواسته‌ها و مطالبات معینی دارند؛ مثل لغو حجاب اجباری، برابری حقوقی در سطح جامعه و رفع قوانین تبعیض‌آمیز که به آنها باید توجه شود.

### مسیر تحول از داخل

مهرداد درویشپور، جامعه‌شناس و فعال سیاسی، دیگر سخنرانی بود که در کنفرانس "جنبش دموکراسیخواهی در ایران" حضور داشت. وی از جمله بر مسالمت‌آمیز بودن، خصلت چند صدایی و داخلی بودن مسیر تحول، تأکید کرد و آسیب‌پذیری‌های جنبش را نیز از دید خود برشمرد: من سعی کردم بر چند محور کلیدی و مسالمت‌آمیز بودن سیر تحول در ایران تأکید کنم. این که شکلگیری جنبش سبز در سال گذشته خط بطلانی بر تمام تلاش‌های آلترناتیوسازی از بیرون کشید و نشان داد که مسیر تحول از داخل ایران میگذرد و خصلتی مسالمت‌آمیز دارد. جنبش سبز در این یکساله توانست با ایجاد یک حس همبستگی ملی تمایلات جداییطلبانه را هم کمرنگ کند.

اگرچه این جنبش در ابتدا نیروهای محرکش زنان و جوانان بودند و حتی گروه‌های اتنیکی با تردید به آن نگاه کردند، اما بخشی از گروه‌های اتنیکی از جمله کردها با تأخیر به آن پیوستند. از جمله اعتصاب سیاسی یکی دوماه گذشته، نمونه‌های از مشارکت گروه‌های اتنیکی در جنبش همگانی سبز ایران بود. در عین حال من بر این تأکید داشتم که جنبش سبز ایران هم امید به تغییر ایجاد کرده و روحیهی ایرانیان را بالا برده است، هم جایگاه شایسته‌های برای ایرانیان در سطح بین‌المللی ایجاد کرده است.

## مهرداد درویش پور

نوعی اعاده حیثیت از ایرانیان کرده و نشان داده است که این حکومت به راستی نماینده‌ی این ملت نیست. تأکید من بر این بود که بنا بر آنچه جنبش سبز در سال گذشته به ما نشان داد، به دلیل خصلت چند صدایی آن، باید در برابر هر نوع تلاش برای خلاصه شدن این جنبش در یک نگاه ایستادگی کرد.

من در این کنفرانس سپس به شکاف بین بدنه و رهبری جنبش سبز و چهره‌های نمادینش پرداختم. به این ترتیب که چهره‌های نمادین آن بیشتر اصرار دارند این جنبش در چهارچوب نظام باقی بماند، اما در بدنه، تمایل به نفی نظام خیلی گسترده‌تر است. همینطور گفتم که هم نیروهای اصلاحطلب دینی و هم سکولارها، نیروهای جدی و مؤثر درگیر در این جنبش هستند.

هرکدام از آنها اگر تلاش کنند که شعار جنبش سبز را به التزام به قانون اساسی تنزل بدهند، این عملاً باعث یأس در جنبش سبز خواهد شد و بسیاری از پتانسیلهايش را از دست خواهد داد. از این نظر مهم است که چند صدایی جنبش حفظ شود. در عین حال اگر هم نیروهای سکولار در جنبش سبز فکر کنند می‌توانند اصلاح‌طلبان دینی را دور بزنند و یا حذف کنند، عملاً این جنبش در برابر سرکوب آسیب‌پذیر خواهد بود. من این دو نیرو را به عنوان دو پای جنبش و نقطه قوت آن یاد کردم.

موانع راه دموکراسی

صدیقه عدالتی، جامعه‌شناس و عضو هیئت اجرایی جنبش فدرال دمکرات آذربایجان، از دیگر سخنرانان همایش «جنبش دموکراسیخواهی در ایران؛ محدودیتها و ظرفیتها» بود که در باره موانع دمکراسی در ایران و یک استراتژی پیشنهادی برای گذار به دمکراسی سخن گفت؛ من در دو بخش صحبت کردم. یکی در مورد موانعی که در راه رسیدن جامعه‌ی ایرانی به دموکراسی وجود دارد. یکی از این موانع از نظر من این است که در ایران در حال حاضر یک استبداد دینی حاکم است و به‌طور طبیعی آزادی بیان و عقیده و اندیشه نیست و انسانها را به حالت شهروند درجه دو درآورده است.

دومین مانع برای رسیدن به دموکراسی مسئله‌ی ملیتهای غیر فارس در ایران است و این که اینها با چه مشکلاتی روبرو هستند و در جامعه به حاشیه رانده شده‌اند. سومین مانعی که روی آن تکیه داشتم، وضعیت زنان در ایران است. بعد از تشکیل جمهوری اسلامی، یک آپارتاید جنسی در ایران حاکم است و زنان در آن شهروند درجه دو به‌شمار می‌روند.

صدیقه عدالتی

بخش دوم صحبت‌های من در مورد استراتژی بود و این که نظر جنبش فدرال دموکرات آذربایجان چیست و چه راه حلی را پیشنهاد میکنند؟ من گفتم که یک فدرالیسم اتنیکی میتواند راه‌حلی برای مشکل اساسی در ایران و برای رسیدن به دموکراسی باشد. این فدرالیسم اتنیکی براساس دموکراسی، براساس لائسیسم و براساس حقوق انسانها است؛ و این که تمام انسانهایی که در ایران زندگی میکنند، باید از حقوق مساوی برخوردار باشند.